

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع: اجتهاد وتقليد - مشروعیت امامت سیاسی ائمة (عليهم السلام) - شبهه در قضیه نصب امیرالمومنین

روایات

جلسه هفتاد و هشتم 1399/12/26

اللهم صلى على محمد وآل محمد وعجل فرجهم اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله والصلاة على محمد رسول الله وعلى آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله واللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ

پرسش:

لطفا توسل «عبدالرحيم القصير» را مجددا توضیح دهید.

پاسخ:

وقتی گرفتاری خاصی برایت پیش آمد به پیامبر توسل کن، غسل کن و دو رکعت نماز بخوان مانند نماز فريضة (مجلسی اول: أي بالتكبيرات السبع أو بتكبيرة الإحرام، و كذا التشهد باشماله على المندوبات أو الواجب) و به پیغمبر هدیه کن، بعد از سلام بگو:

«اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَ مِنْكَ السَّلَامُ وَ إِلَيْكَ يَرْجِعُ السَّلَامُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ مِنِّي السَّلَامَ وَ أَرْوَاحَ الْأَيِّمَةِ الصَّادِقِينَ سَلَامِي وَ ازْدُدْ عَلَيَّ مِنْهُمْ السَّلَامَ وَ السَّلَامَ عَلَيْهِمْ وَ رَحْمَةً اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ اللَّهُمَّ إِنَّ هَاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَأَتَّبِنِي عَلَيْهِمَا مَا أَمَلْتُ وَ رَجَوْتُ فِيكَ وَ فِي رَسُولِكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ

بعد به سجده برو و چهل مرتبه بگو:

يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا حَيُّ لَا يَمُوتُ يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

سپس گونه راست بر زمین بگذار و چهل مرتبه آن را بگو، سپس گونه چپ و چهل مرتبه، بعد سر از سجده بردار و دستهایت را به طرف آسمان بگشا و چهل مرتبه بگو، بعد دست به گردن بگذار و انگشت سبابه را (به حالت تضرع و استغاثه) به اطراف حرکت ده (یک دست بر گردن و انگشت سبابه دست دیگر را حرکت دهد) و چهل مرتبه آن ذکر را بگو. سپس با دست چپ محاسنت را بگیر و با حالت بکاء یا تباکی بگو: **يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَشْكُو إِلَيْ اللَّهِ وَإِلَيْكَ حَاجَتِي وَإِلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الرَّاشِدِينَ حَاجَتِي وَبِكُمْ أَتَوَجَّهُ إِلَى اللَّهِ فِي حَاجَتِي**

سپس سجده کن و بگو: **يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ (تا نفس قطع شود) صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا**

«قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فَأَنَا الضَّامِنُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ لَا يَبْرَحَ حَتَّى تُفْضَى حَاجَتُهُ.»

امام صادق می‌فرمایند اگر کسی این نماز را بخواند، من ضامن هستم بر خدا که از جایش بلند نمی‌شود الا اینکه حاجتش برآورده شده باشد.

الكافي (ط - الإسلامية)، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الاسلامیه، ج3، ص477، بَابُ صَلَاةِ الْحَوَائِجِ، ح1

پرسش:

ظاهراً شاگردان «عابدینی» با طلاب بحث می‌کنند، شبهه مطرح می‌کنند؛ ولی دنبال جواب نیستند.

پاسخ:

این همان کاری است که وهابی‌ها هم انجام می‌دهند، چیز جدیدی ندارند، روش وهابیت همین بوده و اینها هم همان کار را می‌کنند. ولی فقط برای مردم باید روشنگری شود، وقتی با اینها بحث می‌کنید اولاً افراد دیگری هم آنجا باشند و یا حداقل بحث را ضبط کنید و در فضای مجازی بگذارید، خیلی خوب است.

چند روز قبل خانمی به ایشان زنگ زده بود، چون فتوا داده که سگ پاک است. این خانم دیگر آبرو و حیثیت برای ایشان نگذاشته و همین را هم در فضای مجازی پخش کرده بود.

این بهترین راه است، شما برنامه‌هایتان را با ایشان و یا با اطرافیان ایشان داشته باشید، و آن مناظره‌ای هم که ما با ایشان داشتیم در سایت گذاشتیم، متنش هم موجود است، متن را شما مطالعه بفرمایید و آن نقاط ضعف و انحراف و حرف‌های نامربوطی که ایشان دارد، که مثلاً می‌گوید نصب حضرت امیر (سلام الله علیه) توسط بنی امیه و بنی عباس بود! قائل شدند که علی منصوب است تا برای خودشان هم نصب قائل شوند! بنی امیه و بنی عباس علی (سلام الله علیه) را بر بالای منبر ناسزا می‌گفتند، لعن می‌کردند، این بنده خدا انگار اصلاً قوه تعقل ندارد یا اینکه مزدور است و ارتباطاتی دارد.

پرسش:

آیا برای اثبات امامت خاصه، فقط نیازمند دلیل نقلی هستیم - چون برای مصداق شخص ولی است- یا مثل بحث ولایت عامه نیاز به دلیل عقلی هم هست؟

پاسخ:

هم در امامت عامه دلیل عقلی و دلیل نقلی داریم، هم در امامت خاصه دلیل عقلی و نقلی داریم. دلیل عقلی در همه جا است، هیچ فرقی نمی‌کند که امامت عامه باشد یا امامت خاصه.

پرسش:

«لولا سيف علی لما قام عمود الاسلام» در کدام منبع آمده است؟

پاسخ:

در منابعی مثل شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، به نقل از کتاب «الامالی» اثر «ابوبکر الانباری» آمده، اما این قطعه از امالی الان در دسترس نیست و بخش کوچکی از کتاب وجود دارد و چاپ شده.

« روى أبو بكر الأنباري في أماليه أن عليا ع جلس إلى عمر في المسجد... فقال عمر ... و الله لو لا سيفه
لما قام عمود الإسلام »

شرح نهج البلاغة-المؤلف: أبو حامد عز الدين بن هبة الله بن محمد بن محمد بن أبي الحديد الوفاة:
655 هـ دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1418 هـ - تحقيق: محمد عبد الكريم النمري، ج12،
ص86

پرسش:

لطفا دليل عقلی امامت را بفرمایید

پاسخ:

اجمالا دليل عقلی همان شروطی است که آورده‌اند: در امام سه چیز شرط است: 1. اعلمیّت 2. اشجعیّت 3.
اعدلیّت . این سه شرط اتفافی است.

آغاز بحث...

ما دیروز صحبت‌های آقای «عابدینی» را آوردیم، می‌گوید پیغمبر اکرم این همه تبلیغ کرد، و از هیچ چیزی
ناراحت نبود و واهمه نداشت، چرا در بحث ولایت می‌گوید ضاق صدر رسول الله؟ مگر اعلان ولایت علی از
اعلان توحید بالاتر و سخت تر بود؟

عرض کردیم این آقا بی‌سواد است، اضافه بر اینکه معاند است، بی‌سواد هم هست. در سوره حجر آیه 97
قرآن به صراحت می‌گوید:

(وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ)

ما می‌دانیم سینه‌ات از آنچه آنها می‌گویند تنگ می‌شود (و تو را سخت ناراحت می‌کنند).

سوره حجر (15): آیه 97

در همان تبلیغ توحید هم رسول اکرم با مشکلات مواجه بوده است، آنجا (بِضِيقِ صَدْرِكَ) اینجا:

«ضَاقَ بِذَلِكَ صَدْرُ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه واله وسلم)»

الكافي (ط - الإسلامية)، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الاسلامیه، ج 1، ص 289، بَابُ مَا نَصَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَرَسُولُهُ عَلَى الْأُمَّةِ عَ وَاحِدًا فَوَاحِدًا، ح 4

اینکه دلیل ترس و نگرانی پیامبر چه بود، چند مطلب آوردیم، یکی همان بیانی است که در قضیه حجر اسماعیل عنوان شده :

«وَلَوْلَا أَنَّ قَوْمَكَ حَدِيثٌ عَنْهُمْ بِالْجَاهِلِيَّةِ فَأَخَافُ أَنْ تُنْكَرَ قُلُوبُهُمْ»

قوم تو تازه از جاهلیت بیرون آمدند و آثار جاهلیت در آنها است. می ترسم انکار کنند.

صحيح البخاري- المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي- المحقق: محمد زهير بن ناصر الناصر- الناشر: دار طوق النجاة ج2، ص 146- ح 1584

و همچنین در «صحيح مسلم» همین تعبیر آمده است.

«وَلَوْلَا أَنَّ قَوْمَكَ حَدِيثٌ عَنْهُمْ فِي الْجَاهِلِيَّةِ فَأَخَافُ أَنْ تُنْكَرَ قُلُوبُهُمْ»

صحيح مسلم؛ اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري الوفاة: 261، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج2، ص 973، ح 405

عزیزان دقت کنند، در «سنن ابن ماجه» جلد 2 آمده:

« وَلَوْلَا أَنَّ قَوْمَكَ حَدِيثٌ عَنْهُمْ بِكُفْرٍ، مَخَافَةَ أَنْ تَنْفِرَ قُلُوبُهُمْ »

تازه از کفر بیرون آمدند

سنن ابن ماجه - المؤلف: محمد بن يزيد القزويني، ابن ماجه - (م 273هـ) - المحقق: شعيب الأرنؤوط
- عادل مرشد - محمّد كامل قره بللي - عبد اللطيف حرز الله- الناشر: دار الرسالة العالمية ج4، ص180

در کتاب «صحيح مسلم» می‌گوید:

«يا عَائِشَةُ لَوْلَا أَنَّ قَوْمَكَ حَدِيثُوا عَهْدِ بِشْرِكَ لَهَدَمْتُ الْكَعْبَةَ»

صحيح مسلم؛ اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري الوفاة: 261، دار
النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج2، ص969، ح401

نسائی در سنن آورده:

...قَالَ: «لَوْلَا حَدِيثَانُ قَوْمِكَ بِالْكَفْرِ...»

[حكم الألباني]: صحيح

المجتبى من السنن = السنن الصغرى للنسائي- المؤلف: أحمد بن شعيب الخراساني، النسائي (م
303هـ)- تحقيق: عبد الفتاح أبو غدة- الناشر: مكتب المطبوعات الإسلامية - حلب- ج5، ص214

جالب است که در کتاب «حاشية السندي على سنن النسائي» که از شروح خيلي خوب است، می‌گوید:

«لولا قرب عهدهم بالكفر يريد أن الإسلام لم يتمكن في قلوبهم...»

...هنوز اسلام در قلوب قوم عايشه مستقر نشده، اگر حجر اسماعيل را خراب و وارد بيت كنم، اينها
متنفر می‌شوند و زير بار نمی‌روند.

حاشية السندي على النسائي؛ المؤلف: نور الدين بن عبدالهادي السندي الوفاة: 1138، دار النشر:
مكتب المطبوعات الإسلامية - حلب - 1406 - الطبعة: الثانية ، تحقيق: عبدالفتاح أبو غدة، ج5،

ص214

در هر صورت...

این مسائل است که رسول اکرم در اصلاح بنای «کعبه» و انضمام حجر اسماعیل به بیت این چنین واهمه از ارتداد صحابه دارد. چنین است که در معرفی حضرت علی برای خلافت که خیلی مهم‌تر از ضمیمه کردن حجر اسماعیل به بیت است، حضرت نگرانی و واهمه دارند.

این موضوع هم در حدیث به صراحت بیان شده است:

«... وَ تَخَوَّفَ أَنْ يَزْتَدُوا عَنْ دِينِهِمْ وَ أَنْ يُكَدِّبُوهُ فَصَاقَ صَدْرُهُ...»

الكافي (ط - الإسلامية)، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الاسلامیة، ج 1، ص 289، بَابُ مَا نَصَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ رَسُولُهُ عَلَى الْأَيْمَةِ عَ وَاحِدًا فَوَاحِدًا، ج 4

جالب این است که در کتاب «شواهد التنزیل» جلد 1 صفحه 254 دارد:

«... إِنَّ جَبْرَيْلَ هَبَطَ عَلَى النَّبِيِّ ص فَقَالَ لَهُ: إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكَ أَنْ تَدُلَّ أُمَّتَكَ عَلَى صَلَاتِهِمْ. فَذَلَّهِمْ عَلَيْهَا...، ثُمَّ هَبَطَ فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكَ أَنْ تَدُلَّ أُمَّتَكَ عَلَى وَلِيِّهِمْ- عَلَى مِثْلِ مَا دَلَّتَهُمْ عَلَيْهِ مِنْ صَلَاتِهِمْ وَ زَكَاتِهِمْ وَ صِيَامِهِمْ وَ حَجِّهِمْ- لِيَلْزَمَهُمُ الْحُجَّةُ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ.»

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ: يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي قَرِيبُو عَهْدٍ بِالْجَاهِلِيَّةِ وَ فِيهِمْ تَنَافُسٌ وَ فَحْرٌ، وَ مَا مِنْهُمْ رَجُلٌ إِلَّا وَ قَدْ وَ تَرَهُ وَ لِيُهِمْ وَ إِنِّي أَخَافُ- فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى: يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ- وَ إِنَّ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ يُرِيدُ فَمَا بَلَّغْتَهَا تَامَةً وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ. فَلَمَّا ضَمِنَ اللَّهُ [لَهُ] بِالْعِصْمَةِ وَ خَوْفَهُ أَخَذَ بِيَدِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ثُمَّ قَالَ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَ انصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ وَ أَحِبَّ مَنْ أَحَبَّهُ وَ أَبْغِضْ مَنْ أَبْغَضَهُ. «

خدای عالم امر می‌کند که امت را به ولی بعد از خودت راهنمایی کنی همان‌طور که آنان را به نماز و... دلالت کردی.

حضرت مثل همان قضیه حجر اسماعیل را بیان کردند:

پیامبر گفت: پروردگارا قوم من به عصر جاهلیت نزدیک هستند و در میان آنان رقابت و فخر فروشی وجود دارد و مردی در میان آنان نیست مگر اینکه کینه‌ای نسبت به ولی خود دارد و من می‌ترسم...

در این حال آیه نازل شد:

«(یا ایها الرسول بلغ ما أنزل إلیک ... والله یعصمک من الناس)»

«و الله یعصمک من الناس» چون خداوند حفظ او از شرّ تضمین کرد و هشدار داد، پیامبر دست علی بن ابی طالب را گرفت و گفت: ای مردم هر کس که من مولای اویم علی مولای اوست، **شواهد التنزیل لقواعد التفضیل؛ تألیف: الحافظ الکبیر عبید الله بن أحمد المعروف بالحاکم الحسکانی؛ الحنفی النیسابوری، تحقیق و تعلیق: الشیخ محمد باقر المحمودی؛ مؤسسة الطبع والنشر التابعة لوزارة الثقافة والارشاد الاسلامی مجمع أحياء الثقافة الاسلامیة، 1411 هـ - 1990م، ج1، ص254**

این خیلی واضح و روشن است ولی این آقا نامربوط حرف می‌زند که مگر معرفی علی از توحید بالاتر بود؟ چرا پیامبر می‌ترسید و واهمه داشت؟ این بی‌سوادی است.

در همان مناظره هم می‌گفت که من از کتاب «نور الثقلین» عقب‌تر نرفته‌ام، کتاب «نور الثقلین» قرن یازدهم و دوازدهم نوشته شده. چه بسا در طول تاریخ قبل از آن مطالبی بوده و در نقل و انتقالات دچار مشکل شده. الان بعضی از آقایان می‌گویند از «وسائل» استفاده نکنید، وقتی «وسائل» از کتاب «کافی» نقل می‌کند بروید به «کافی» نگاه کنید، ببینید که روایت کافی چطور است. آیا مرحوم «صاحب وسائل» تقطیع کرده و یا نه؟ اشتباه چاپی دارد یا نه و... این واضح و روشن است.

نکته‌ی بعدی اعلان ولایت علی و تهمت‌های منافقان است. هم در منابع اهل سنت و هم شیعه آمده است. عزیزان دقت کنند، در کتاب: «تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة» جلد 1 است:

« عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَمَّا أَوْقَفَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ الْعَدِيرِ افْتَرَقَ النَّاسُ ثَلَاثَ فِرَقٍ فَقَالَتْ فِرْقَةٌ ضَلَّ مُحَمَّدٌ وَ فِرْقَةٌ قَالَتْ عَوَى وَ فِرْقَةٌ قَالَتْ بِهِوَاهُ يَقُولُ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ وَ ابْنِ عَمِّهِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ وَ النَّجْمَ إِذَا هَوَى مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَ مَا عَوَى وَ مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى. »

وقتی رسول الله امیر المؤمنین را برای ولایت معرفی کرد، مردم سه دسته شدند

گروهی گفتند: پیغمبر گمراه شده! یعنی با این کارش دیگر از دین بیرون رفت.

فرقه‌ای گفتند: پیغمبر به باطل گرائیده

دسته‌ای هم گفتند: طبق هوی و خواسته نفسش، به اهل بیت خودش اقبال کرده.

و آیه نازل شد که:

«وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ مَا ضَلَّٰ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ»

کتاب: تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة؛ نویسنده: السيد شرف الدين علي الحسيني

الأستر آبادي (وفات: نحو 965)، تحقیق: مدرسة الإمام المهدي (عج)، ناشر: مدرسة الإمام المهدي

(عج) - الحوزة العلمية - قم المقدسة المبارك 1407 - 1366 ش، ص 624

چقدر واضح و روشن است، من نمی‌دانم این آقایان چه می‌گویند. مرحوم «شیخ صدوق» هم در کتاب

«امالی» همین تعبیر را دارد. وقتی پیغمبر فرمودند:

«يَا عَلِيُّ وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالنُّبُوَّةِ لَقَدْ وَجَبَتْ لَكَ الْوَصِيَّةُ وَالْخِلَافَةُ وَالْإِمَامَةُ بَعْدِي فَقَالَ الْمُنَافِقُونَ عَبْدُ

اللَّهِ بِنُ أَبِيٍّ وَأَصْحَابُهُ لَقَدْ ضَلَّ مُحَمَّدٌ فِي مَحَبَّةِ ابْنِ عَمِّهِ وَمَا يَنْطِقُ فِي شَأْنِهِ إِلَّا بِالْهَوَىٰ»

بعد دارد:

«فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَخَالِقِ النَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ- مَا ضَلَّ

صَاحِبُكُمْ يَغْنِي فِي مَحَبَّةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) وَمَا غَوَىٰ. وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ يَغْنِي فِي

شَأْنِهِ- إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ.»

الأمالي (للصدوق)؛ ابن بابويه، محمد بن علی، محقق / مصحح: ندارد. ناشر: کتابچی، ص 565

همچنین مرحوم «کلینی» در کتاب «کافی» همین تعبیر را دارد:

«قَالَ أَفْسِمُ بِقَبْضِ مُحَمَّدٍ إِذَا قُبِضَ - مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ بِتَفْضِيلِهِ أَهْلَ بَيْتِهِ - وَ مَا غَوَى وَ مَا يَنْطِقُ عَنِ
الْهُوَى يَقُولُ مَا يَتَكَلَّمُ بِفَضْلِ أَهْلِ بَيْتِهِ بِهِوَاهُ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى»

الكافي (ط - الإسلامية)، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق / مصحح: غفاری علی
اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الاسلامیة، ج8، ص 380

اینها کاملا مشخص است که این آقا اصلا مصادر را ندیده، یا اگر هم دیده نمی‌خواهد مطرح کند، خواسته
یک چیز جدیدی مطرح کند، که بگوید بله من به اصطلاح فقیه هستم!
نکنه سوم نگرانی پیغمبر از کسانی بود که در جنگ‌ها وابستگانشان به دست امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)
کشته شده بودند:

«و الله لو لا سيفه لما قام عمود الإسلام»

شرح نهج البلاغة؛ اسم المؤلف: أبو حامد عز الدين بن هبة الله بن محمد بن محمد بن أبي الحديد
المدائني الوفاة: 655 هـ دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت / لبنان - 1418 هـ - ، تحقیق: محمد
عبد الکریم النمري، ج12، ص86

در «نهج البلاغه» خطبه 192، حضرت امیر می‌فرمایند:

«أَنَا وَضَعْتُ فِي الصَّغَرِ بِكَالِكِلِ الْعَرَبِ وَ كَسَرْتُ نَوَاجِمَ قُرُونِ رَبِيعَةَ وَ مُضَرَ»

من در خردسالی، بزرگان عرب را به خاک افکندم، و شجاعان دو قبیله معروف «ربیعہ» و «مضر» را در
هم شکستم

نهج البلاغة (للسبحي صالح): نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، ناشر: هجرت، محقق /
مصحح: فیض الاسلام، ص300، نامه 192

در شجاعت حضرت امیر (سلام الله علیه) است، حتی وقتی ایشان کم سن بودند، رسول اکرم وقتی بیت الله الحرام می‌رفتند بچه‌های کوچک قریش می‌آمدند ایشان را اذیت می‌کردند و سنگ می‌انداختند، خار و خاشاک جلوی پایشان قرار می‌دادند.

امیر المؤمنین می‌آمدند به صورت و دهن اینها می‌کوبیدند، به حضرت می‌گفتند «قضیم» :

«إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه واله وسلم) كَانَ بِمَكَّةَ لَمْ يَجْسُرْ عَلَيْهِ أَحَدٌ لِمَوْضِعِ أَبِي طَالِبٍ وَ أَغْرُوا بِهِ الصُّبْيَانَ- وَ كَانُوا إِذَا خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه واله وسلم) يَزْمُونَهُ بِالْحِجَارَةِ وَ التُّرَابِ- فَشَكَا ذَلِكَ إِلَى عَلِيٍّ (عليه السلام) فَقَالَ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ إِذَا خَرَجْتَ فَأَخْرِجْنِي مَعَكَ- فَخَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه واله وسلم) وَ مَعَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) فَتَعَرَّضَ الصُّبْيَانُ لِرَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه واله وسلم) كَعَادَتِهِمْ- فَحَمَلَ عَلَيْهِمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) وَ كَانَ يَقْضِمُهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ وَ أَنَافِهِمْ وَ أَذَانِهِمْ- فَكَانُوا يَزْجَعُونَ بَأَكْبَانَ إِلَى آبَائِهِمْ- وَ يَقُولُونَ قَضَمْنَا عَلِيًّا قَضَمْنَا عَلِيًّا»

...امیر المؤمنین به صورت و دهن اینها می‌کوبید، اینها گریه کنان نزد پدران شان می‌رفتند می‌گفتند

«قَضَمْنَا عَلِيًّا قَضَمْنَا عَلِيًّا»

«فَسَمِّيَ لِذَلِكَ (الْقَضِيمِ)»

تفسیر القمی؛ قمی، علی بن ابراهیم- مصحح: موسوی جزائری، طیب، ناشر: دار الکتب، ج 1، ص 114

عبارت «شواهد التنزیل- حسانی» را هم که خواندیم:

«وفیهم تنافس وفخر، وما منهم رجل إلا وقد وتره ولیهم»

شواهد التنزیل لقواعد التفضیل؛ تألیف: الحافظ الکبیر عبید الله بن أحمد المعروف بالحاکم الحسانی؛

الحنفی النیسابوری، تحقیق وتعلیق: الشیخ محمد باقر المحمودی؛ مؤسسة الطبع والنشر التابعة لوزارة

الثقافة والارشاد الاسلامي مجمع أحياء الثقافة الاسلامية، 1411 هـ - 1990 م، ج 1، ص 254

وقتی امیرالمؤمنین با کفار قریش این چنین کرده، قریش واهمه دارند و عداوت امیرالمؤمنین را در دل دارند و لذا معرفی علی برای خلافت بعد رسول الله (صلی الله علیه و اله وسلم) برایشان خیلی سنگین بود. نکته بعدی انتقام قریش و کینه‌ی آنها از امیرالمؤمنین است، شما ببینید در کتاب «شرح نهج البلاغه» دارد که امیرالمؤمنین می‌فرمایند :

« اللهم إني أستعديك على قریش فإنهم أضمرُوا لرسولك ص ضربوا من الشر و الغدر فعجزوا عنها و حلت بينهم و بينها فكانت الوجبة بي و الدائرة علي اللهم احفظ حسنا و حسينا و لا تمكن فجرة قریش منهما ما دمت حيا فإذا توفيتني فأنت الرقيب عليهم و أنت على كل شيء شهيد. »

خدایا من را در برابر قریش یاری کن، اینها در دل نیات شوم و فریبانه نسبت به پیغمبر داشتند اما عاجز ماندند و تو حائل و مانع آنها شدی، (پس برای انتقام) هجمه بر من آورده‌اند و مرا احاطه کرده‌اند

شرح نهج البلاغة؛ اسم المؤلف: أبو حامد عز الدين بن هبة الله بن محمد بن محمد بن أبي الحديد المدائني الوفاة: 655 هـ دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان - 1418 هـ - 1998 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: محمد عبد الكريم النمري، ج 20، ص 158

یا در کتاب «بلاغات النساء» از قول حضرت زهرا (سلام الله علیها) دارد که این چه انتقامی است که از علی گرفتید و ایشان را خانه نشین کردید، این نیست جز اینکه:

«نَقَمُوا وَ اللَّهُ نَكِيرٌ سَيُفِيهِ وَ شِدَّةٌ وَ طَأْتَهُ وَ نَكَالٌ وَ قَعْنَهُ»

والله بر شمشیر برنده او ایراد می‌گرفتند و قدرت او در جنگجویی و ضربات خورد کننده‌اش بر دشمن بلاغات النساء- المؤلف: ابن طيفور، احمد بن أبي طاهر (م 280 ق)-دارالنشر: الشريف الرضي- قم ص 32

یا «ابو نعیم اصفهانی» در «معرفة الصحابة» جلد 1 تعبیر جالبی دارد، عثمان به امیرالمؤمنین می‌گوید:

«ما ذنبي إن لم تحبك قريش وقد قتلت منهم سبعين رجلا كأنّ وجوههم سيوف الذهب»

گناه من چیست که قریش تو را دوست ندارند، (در یک روز) هفتاد نفر از اینها را کشتی (اشاره به جنگ بدر است)، کسانی که صورت‌های اینها مثل طلا می‌درخشید.

معرفة الصحابة؛ اسم المؤلف: لأبي نعيم الأصبهاني الوفاة: 430، دار النشر، ج 1، ص 86، ح 338

یا در کتاب «تاریخ دمشق» یک عبارتی است که از امام سجاد (سلام الله علیه) سوال می‌کنند:

«ما بال قريش لا تحب عليا»

چرا قریش علی را دوست ندارد؟

«لأنه أورد أولهم النار وألزم آخرهم العار»

فرمود: اولین(بزرگان) قریش را وارد آتش کرد، و آخرینشان را هم ملازم ننگ و عار ساخت

تاریخ مدينة دمشق وذكر فضلها وتسمية من حلها من الأماثل؛ اسم المؤلف: أبي القاسم علي بن

الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعي الوفاة: 571، دار النشر: دار الفكر - بيروت - 1995، تحقيق:

محب الدين أبي سعيد عمر بن غرامة العمري، ج 42، ص 290

اینها به جنگ می‌رفتند، شکست خورده برمی‌گشتند، امیرالمؤمنین می‌رفت، پیروز می‌آمد.

نکته‌ی بعدی ترس از اینکه اتهام انتخاب خویشاوندی بزنند، در کتاب «شواهد التنزيل - حسانی» است

وقتی که برای پیغمبر دستور آمد تا علی را نصب کند

«فتخوف رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) أن يقولوا: حابي ابن عمه وأن يطعنوا في ذلك عليه

فأوحى الله إليه هذه الآية فقام بولايته يوم غدیر خم»

حاجي الرجل: مال إليه منحرفا عن العدل.

نگران بود که بگویند محمد هوای پسر عمویش را دارد، طعنه بزنند که چون پسر عمویش است، او را انتخاب کرده است...

الطبرسي، أبي علي الفضل بن الحسن (متوفای 548هـ)، تفسیر جوامع الجامع، ج 1، ص 517، تحقیق و نشر: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، الطبعة: الأولى، 1418هـ.

که خداوند وحی کرد:

(يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ)

سوره مائده (5): آیه 67

«تفسیر روح المعانی» همین عبارت را می‌آورد (البته آلوسی منکر قضیه استخلاف حضرت است):

«فتخوف رسول الله (صلى الله عليه و سلم) أن يقولوا حابي ابن عمه وأن يطعنوا في ذلك عليه فأوحى الله تعالى اليه هذه الآية فقام بولايته يوم غدیر خم وأخذ بيده فقال عليه الصلاة والسلام : من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم والاه من والاه وعاد من عاداه»

حابی ... پیغمبر (به خاطر نسبت خانوادگی) به علی متمایل شده و او را انتخاب کرده است.

روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني؛ اسم المؤلف: العلامة أبي الفضل شهاب الدين السيد محمود الألوسي البغدادي الوفاة: 1270هـ دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج 6، ص 193

غرض این است که اینها همه یک سری مسائلی است که پیغمبر از آنها واهمه داشتند، یعنی از کسانی که مسلمان شده بودند ولی داعیه‌ی جانشینی داشتند، از روز اول آمدند مسلمان شدند به هوای اینکه بعد از پیغمبر ریاست را خواهند داشت.

شما ببینید در «حجة الوداع» در «منا» وقتی پیغمبر اکرم می‌گویند:

«إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَنْقُضِي حَتَّى يَمْضِيَ فِيهِمْ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً»

بعد از من دوازده خلیفه خواهد آمد

همین که پیغمبر خواستند توضیح دهند، سر و صدا بلند شد، نگذاشتند صدای پیغمبر به گوش مردم برسد.

«تَكَلَّمَ بِكَلَامٍ حَفِيٍّ عَلَيَّ»

صحیح مسلم؛ اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري الوفاة: 261، دار

النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج 3، ص 1452

همچنین دارد:

«...فَقَالَ كَلِمَةً صَمْنِيهَا النَّاسُ»

(صَمْنِيهَا) أي أصموني عنها فلم أسمعها لكثرة الكلام... أصمئها الناس أي شغلوني عن سماعها فكأنهم

جعلوني أصم

صحیح مسلم؛ اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري الوفاة: 261، دار

النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج 3، ص 1453

به قدری سر و صدا کردند روای می گوید من گوشم کر شد!

یا در روایتی دیگر دارد:

«...ثُمَّ لَعَطَ الْقَوْمُ وَتَكَلَّمُوا فَلَمْ أَفْهَمْ قَوْلَهُ»

الكتاب: مسند الإمام أحمد بن حنبل - المؤلف: أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد الشيباني

(المتوفى: 241هـ) - المحقق: شعيب الأرنؤوط وآخرون - الناشر: مؤسسة الرسالة - ج 34، ص 476

یا در بعضی منابع دارد که مردم شروع کردند به نشستن و برخاستن و بالاخره نگذاشتند صدای پیغمبر به گوش مردم برسد؛ چون می‌دانستند که در ضمن «اثنی عشر خلیفه» پیغمبر می‌خواهد نام علی و یازده نفر از فرزندان را بیاورد.

... قَالَ: فَجَعَلَ النَّاسُ يَفُومُونَ وَيَقْعُدُونَ

الكتاب: مسند الإمام أحمد بن حنبل - المؤلف: أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد الشيباني (المتوفى: 241هـ) - المحقق: شعيب الأرنؤوط وآخرون - الناشر: مؤسسة الرسالة - ج 34، ص 477

لذا خدای عالم می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ

سوره مائده (5): آیه 67

رسول اکرم واهمه داشتند و سینه‌ی مبارک‌شان تنگ شد. ادله‌ی دیگری هم هست که ان شاء الله ما روی سایت می‌گذاریم دوستان اینها را خواهند دید.

یا مثلاً ترس پیامبر از کسانی که به حضرت نسبت هذیان دادند، خود پیغمبر در قید حیات هستند، می‌فرمایند کاغذ و قلمی بیاورید تا چیزی بنویسم که هرگز گمراه نشوید، به پیغمبر چه گفتند؟

«.. قَالَ عُمَرُ: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَبَهُ الْوَجَعُ... فَكَانَ ابْنُ عَبَّاسٍ يَقُولُ: إِنَّ الرِّزِيَّةَ كُلَّ الرِّزِيَّةِ،

مَا حَالَ بَيْنَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَبَيْنَ أَنْ يَكْتُبَ لَهُمْ ذَلِكَ الْكِتَابِ، مِنْ اخْتِلَافِهِمْ وَلَعَطِهِمْ»

«ابن عباس» می‌گوید تمام مصیبت از آنجا شروع شد که نگذاشتند پیغمبر این وصیت نامه را بنویسد.

صحيح البخاري- المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي- المحقق: محمد زهير بن

ناصر الناصر- الناشر: دار طوق النجاة ، ج9، ص 111

...فَقَالُوا: هَجَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

صحیح البخاری- المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي- المحقق: محمد زهير بن

ناصر الناصر- الناشر: دار طوق النجاة ، ج9، ص 111

در هر صورت...

اینها بحث‌هایی بود که ما در جواب این آقا مجبوریم بگوییم و یکی دو مورد هم نیست، اینها کاملاً واضح و روشن است که این اقا حرف‌های بی اساسی می‌زند و چنین مسئله‌ای نیست.

ما از همه عزیزان التماس دعا داریم، مخصوصاً شب نیمه شعبان ان شاء الله برای فرج حضرت ولی عصر دعا کنند، ما را هم دعا کنند. صدقه برای سلامتی حضرت بگذارند و فراموش نکنند اگر بتوانند «جمکران» هم بروند، حالا اگر روز نیمه‌ی شعبان نتوانستند، روز بعد از نیمه شعبان ان شاء «جمکران» بروند.

خداحافظ همه عزیزان!

«والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته»